

## لاتاری با مترسک طالبان

فواد عبداللہی

تکاپوها از جانب قدرت‌های جهانی و دولت‌های مرتجع منطقه برای برسمیت شناختن سناریوی اسقاطی و کپک زده طالبان به مردم بخت‌برگشته افغانستان با حرارتی خیره کننده ادامه دارد. نماینده ویژه آمریکا اعلام کرد که «زمانی نوبت به بازگشایی سفارت ما در کابل می‌رسد». وی در ادامه تصریح کرد که «واشنگتن از تلاش‌های طالبان برای سرکوب داعش حمایت می‌کند. ما می‌خواهیم طالبان علیه داعش موفق شود، ما نگران افزایش حملات داعش هستیم و می‌خواهیم طالبان علیه آن‌ها موفق شوند...»

نماینده روسیه در امور افغانستان هم اعلام کرد که «نشست «ترئوکیا توسعه‌یافته» با حضور نمایندگان روسیه، آمریکا، چین و پاکستان پنجشنبه ۲۰ آبان به میزبانی پاکستان برگزار خواهد شد که در این نشست، چگونگی کار با سازمان ملل برای آغاز پروژه‌ها بحث می‌شود و در حالی که از حمایت همه کشورهای کلیدی منطقه برخوردار هستیم، ما قصد داریم در مورد موضوعات عملی خاصی بحث کنیم.»

«واشنگتن از تلاش‌های موفق طالبان برای سرکوب داعش حمایت می‌کند» به‌زبان بی‌زبانی یعنی دولت آمریکا در این مناسک قرعه‌کشی از طاعون «موفق» طالبان در برابر جزام سیاه داعش حمایت می‌کند؛ جهانیان را از لولو خورخوره داعش می‌ترسانند تا عفونت طالبان را به خورد مردم افغانستان بدهند. شهروندان جهان ظاهراً باید برای یک «لاتاری مرغوب» که قرار است به اسم طالبان درآید، هلهله بکشند. «چگونگی کار طالبان با سازمان ملل» هم که از جانب روسیه و بقیه دول مرتجع منطقه برای عقب‌نماندن از قافله بزرگ کردن طالبان توسط دولت آمریکا و دول اروپایی مطرح شده است، در واقع امر جاده صاف‌کن رسمیت دادن به حاکمیت طاعون طالبانند.

زمانی بود که افتخار عکس یادگاری گرفتن با مومیایی‌های از گور برخاسته از قماش طالبان تنها نصیب قدرت‌های غربی بویژه دولت آمریکا می‌شد. عکس یادگاری برژینسکی با بن‌لادن را همه دیده‌اند؛ تصاویر خمینی به همراه نمایندگان دول غربی زیر درخت سیب در نوفل‌لوشاتو و سن‌جاق کردن تصویر این هیتلر اسلامی به ماه توسط رسانه‌های غربی، هنوز معرف خاص و عام است؛ سخنرانی «شکوهمند» مارگارت تاچر در مدح و ثنای طالبان را هم همه شنیده‌اند؛ دیدار رونالد ریگان با سران مجاهدین افغان و طالبان در کاخ سفید و اردوگاه‌های طالب‌پروری در پاکستان و طویله‌های اسلامی هم در تاریخ ثبت است؛ هیلاری کلینتون هم که اعتراف کرد که داعش را خودش ساختند؛ امروز بقیه دولت‌های جهان نیز در این مسابقه «لاتاری» بر سر لاشه طالبان سهیم شده‌اند، عکس یادگاری می‌گیرند و گوی سبقت را از همدیگر روده‌اند؛ همه به نوعی در حال اسکن کردن نسخه طالبان روی دیسک فشرده خود هستند و هر کدام رو به دیگری اعلام می‌کند که همین یک نسخه است، کپی آن را هم به هیچکس نمی‌دهیم! ... صفحه ۲

- کارگران جهان متحد شوید! -

## نام این نادان در تاریخ ثبت می‌شود!

آذر مدرسی



جمهوری اسلامی مانند هر حکومت دیکتاتوری که در لبه پرتگاه مرگ قرار گرفته شخصیتها و کاراکترهای نادانی دارد که نه دوره و نه شرایط «حساس» و مخاطره آمیز ادامه حیات خود را تشخیص میدهند و عروتی‌هایی میکنند. در میان این کاراکترها اما نام «عادل قربانزاده» را باید بعنوان نادان ترین ها در تاریخ ثبت کرد.

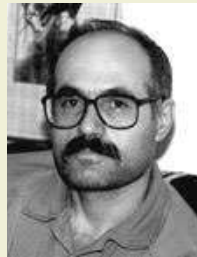
«عادل قربانزاده»، رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان ملکان، خطاب به مدیر چاپ خانه و خدمات کامپیوتری اعلام کرده است که نوشتن نام زنان در اطلاعیه‌های مجالس ترحیم ممنوع و پیگرد

قانونی خواهد داشت. فتوایی که به سرعت با عکس العمل مردم روبرو شد و پرونده فتوهای قبلی «نمایندگان ولی فقیه» و روسای «ادارات تبلیغات اسلامی» در گیلان و تهران و ... را روی میز آورد. کار به جایی رسید که حتی میدیای رسمی حکومتی ناچار از علنی کردن تلاشهای قبلی حکومت در ممنوعیت عکس زنان، بویژه عکسهای بی حجاب، روی سنگهای قبر و ... و «معضلات» اجرای این قوانین قرون وسطایی شدند.

آش پنهان شور شد که تعدادی از «مقامات»، منجمله معاون روحانی در امور زنان و خانواده، شهیددخت مولودری، هم صدایشان در آمد و آنرا «تقیب» کردند. روابط عمومی اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی، با دستپاچگی و به سرعت این فتوا را غیر قانونی خواند و اعلام کرد که «نامه اداره ملکان ارتباطی با اهداف و مأموریت این سازمان ندارد و برخورد لازم با نویسنده صورت گرفته است». ... صفحه ۲

## سه جلوه‌ی زیبای انسانی از تهران تا کردستان!

مظفر محمدی



جامعه قطبی شده ی ایران از یک طرف صف آزایی دولت نظامی ها و امنیتی ها از فرط استیصال و درماندگی شمشیر را از رو بسته و بگیر و ببندهایشان را گسترش می دهند و این تنها کاری است که از بیت بهری و رییس دولت تا مجلسیان و دستگاه قضایی، بلدند.

در طرف مقابل طبقه کارگر مصمم به اتحاد صفوف خود درجامع عمومی و شوراهای کارگری و سازماندهی اعتصابات مکرر علیه استثمار و بیحقوقی است. متحدان طبقه کارگر، معلمان و بازنشستگان و حاشیه نشینان شهرها علیه فقر مطلق

و فلاکت و گرسنگی و سرکوب از خیزش های دی ماه ۹۶ تا آبان ۹۸ و جنبش تشنگان جنوب، ضربات پی در پی بر پیکر نظام جمهوری اسلامی وارد می کنند. در دل جدال آشتی ناپذیر طبقاتی دو قطب پایینی ها و بالایی ها، هر روز در گوشه و کنار جامعه مواردی از ابراز وجود و جلوه هایی از انسانیت و احترام به حقوق انسان با ماهیت سوسیالیستی و برابری طلبانه، سیمای جامعه ما را به تصویر می کشد.

تنها در یک هفته اخیر و همزمان با اعتصابات کارگری، دانشجویان دختر فارغ التحصیل دانشگاه تهران یکی از بنیادهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی یعنی حجاب اجباری را به سخره گرفته و تصویر زیبایی از آزادی را به جامعه نشان دادند.

در همین مدت در کردستان و شهرهای سنندج و مریوان، جلوه هایی از احترام به انسان و اعتراض به دشمنان انسانیت به نمایش گذاشته شد. در شهر سنندج آزادیخواهان انساندوست، مادر آسیه «دایه آسیه» مادر دو فرزند انقلابی جانباخته یکی از اعدام شدگان دهه ۶۰ و دیگری در حمله نظامی رژیم به کردستان جان باخت را به عنوان سمبل مقاومت انقلابیونی که تسلیم جمهوری اسلامی نشدند، بدرقه کردند. مراسم خاک سپاری «دایه آسیه» که خودش مدتی را در زندان جمهوری اسلامی گذراند، ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

همصدا شدن تعدادی از شخصیت‌های حکومتی با اعتراض مردم، سکوت و خود را به «کوپه علی چپ» زدن سایر «رجل» و «نمایندگان ولی فقیه» که پیشتر شکرخوری های اینچنین کرده اند، سرعت عمل «اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی» به این فتوای «بسی موقع» و «غیر قانونی» خواندن آن و قول «برخورد لازم با نویسنده»، دیدنی است.

«قربانزاده» شخصیت نادان و درمانده حکومتی است که نه با فتوا، نه با «ارشاد» مردم، نه با بسیج گله حزب الهی های خود یا طرح های برباد رفته ای چون «گشت امنیت اجتماعی» و نه با تهدید و بگیر و ببند قادر به تحمیل قوانین قرون وسطایی اسلامی و «هدایت» مردم و بویژه زنان به «راه راست» و ... نشده است و رسماً و علناً به شکست خود اعتراف میکند. حکومتی که چندی پیش شخصیت‌های «هوشیار» آن طرح‌هایی چون «طرح صیانت» را «کشیدن ضامن نازجک» خواندند و تأثیرات ویرانگر چنین «فشارها» و عروتیزهایی را به کاراکترهای جامانده از اوضاع چون «قربانزاده» یادآوری کردند.

«قربانزاده» را باید سراغ «الله کرم»، دبیر شورای هماهنگی حزب الله فرستاد تا او را شرفهم کند که ایندوره با سالهای ۶۰-۶۷ تفاوت دارد، تا «متوجه» شود که به جای قمه گردانی و اسیدپاشی سالهای ۶۰ امروز باید یواشکی «امر به معروف» کرد و بعد از «تذکر لسانی» صحنه را ترک کرد و جیم شد! او را باید نزد سازمان دهندگان اسید پاشی به صورت زنان در اصفهان فرستاد تا بفهمد که چگونه امام جمعه و بقیه روسای امور در این میدان شکست خوردند و دم روی کول شان گذاشته و فرار را بر قرار ترجیح دادند. این نادان را باید سراغ امام جمعه و سلفی های چاقوکش مریوان فرستاد تا متوجه شود عواقب چنین «دم در آوردن» هایی چیست و مردم چگونه حساب اوباشی چون او را کف دستشان می‌گذارند. این نماد بلاهت را باید به دختران خیابان انقلاب، به برداشتن دسته جمعی حجاب اسلامی و اجباری از طرف دانشجویان دختر در دانشگاه تهران، به ۸ مارس ها و مقابله و مقاومت علنی زنان علیه قوانین پوسیده اسلامی، به ناتوانی و عجز ماشین سرکوب حاکمیت در عقب راندن این مقاومت و سیاست «جیم شدن» حزب الهی ها ارجاع داد، تا متوجه شود با آتشی بازی میکنند که می‌رود هست و نیست حاکمیت و «نظام اسلامی» شان را نابود کند.

«قربانزاده» را باید سراغ رئیسی، جلاذ سالهای ۶۰-۶۷ و رئیس جمهور امروز، فرستاد تا متوجه شود صحنه سیاست در ایران دستخوش زمین لرزه ای بنیادی شده است و باید متناسب با اوضاع «شکر» خورد. تا متوجه شود از حکومتی که با سرکوب و کشتار و قتل عام و هراس عمومی از آن شناخته میشد، کاریکاتوری بیش باقی نمانده است. این نادان را باید به مقامات دولتی و فرماندهان سپاه حواله داد، تا متوجه شود که امروز اعتصابات کارگری، از خوزستان تا آذربایجان، از خراسان و کرمان تا تهران، اعتراض معلمان و بازنشستگان، اعتصابات پرستاران و کارگران شهرداری و ... ترازوی قدرت را در جامعه تغییر داده اند. تا متوجه بحران سیاسی-اقتصادی و بن بست اجتماعی-ایدئولوژیک حکومتی که دیگر قادر به حاکمیت نیست و مردمی که دیگر حاضر به تحمل فقر و فلاکت و استبداد و حاکمیت مذهب و قوانین قرون وسطایی را ندارند، شود. حکومتی که سران، شخصیتها و ایدئولوگهای آن گذشته خود، «فداکاری» ها در تثبیت «نظام» و مدالهای افتخارات خود برای تثبیت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی را زیر فرش مخفی میکنند و حتی حاضر به ارج گذاری جلاذانی چون «حاج داوود» نیستند.

ظاهراً افسار «قربانزاده» را فوری کشیدند و اوضاع را «آرام» کردند، اما با جامعه به تنگ آمده از فقر و استبداد، جامعه تشنه آزادی و رفاه، با طبقه کارگر آگاه و متوقع، با خیل عظیم کمونیستها و سوسیالیست هایی که جامعه را از طبقه کارگر تا جنبش حق طلبانه زنان و ... را فتح کرده اند، با جامعه ای که آلترناتیو «اداره شورایی» را در مقابل حاکمیت قرار داده چه میکنند؟ با زمین لرزه های سیاسی بعدی چه میکنند؟ زمین لرزه سیاسی مردمی که بیش از این تحمل این وضع را نکرده و منتظر عقب نشینی های گام به گام حکام و تلاش آنها برای تطبیق خود با فضای پیر تحول و توقعات انسانی کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه برای حفظ نظام پوسیده جمهوری اسلامی نخواهد شد.

این جنبش برای پایان توحش و بربریت حاکم هر روز هر لحظه خود را آماده و صفوف خود را سازمان میدهد و آماده است در جواب به هر کدام از این عربده کشی های «ناوقت» و بی تناسب مهره های نظام، کل اوضاع را به هم بریزد و به عمر حاکمان پایان دهد. بی تردید در فردای چنین تحولی نه فقط عملکرد نظام و جنایاتی که بر مردم ایران رفته است، به عنوان پرده ای از تاریخ توحش و بربریت برای آیندگان به نمایش گذاشته خواهد شد، که نام نادانهای چون «قربانزاده» در تاریخ ثبت خواهد شد!

\*\*\*\*\*

**دخالت جمعی، خرد جمعی، سازماندهی  
و رهبری جمعی، از طریق مجامع عمومی  
کارگری و هدایت طیفی از نمایندگان و  
شخصیت‌های شناخته شده و پیشروان  
جامعه، اعمال اراده مردمی در شوراها، امروز  
دیگر در گرماگرم مبارزه در حال اجرا است!**

**شوراهای مردمی، نه برای فردای پس از  
جمهوری اسلامی، که بعنوان سازمان موجود  
مبارزاتی، قابل تشکیل و قابل اجرا، و برای  
بکارگیری، دخالت و تضمین و تامین شرکت  
همگانی مردم در پیشبرد سمت و سوی  
مبارزه در جریان، امروز یک نیاز و واقعیت  
غیر قابل انکار است!**

**امروز اداره شورایی جامعه، بعنوان تنها  
ضامن دخالت همگانی و دمکراتیک مردمی،  
علاوه بر «نه به جمهوری اسلامی» به یک  
«آری» روشن و به خودآگاهی مردم آزادیخواه  
در امکان شکل دادن به یک ساختار دمکراتیک  
و مردمی، تبدیل شده است.**

**بیانیه حقوق جماعشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است**

در حالیکه کل دنیا بازگشت طاعون طالبان به صحنه سیاست در افغانستان و ساخت و پخت با این باند جنایی را مترادف با فروپاشی سیاست آمریکا و دول غربی می‌داند اما دیگر افتخار دیپلماسی و پز مذاکره با این تحفه دست‌ساز دموکراسی غربی چیزی جز «احترام» به توحش و ابتذال و حماقت نیست. لاشه گنبدی‌های که دور آن جمع شده‌اند و مفتخر به عکس یادگاری گرفتن با آنند و جهت ارائه تصویر دلپذیر از طالبانی خوشخیم که در سنگر مظلوم و قربانی «دخالت بیگانه» و «رورسیسم داعش» لنگر انداخته، دست بکار برسیمت شناختن حقوق‌اش شده‌اند! ناگهان همه به «حقوق پایمال شده» این باند قاچاق مواد مخدر پی برده‌اند و سازمان ملل موظف به رعایت آن! تمام آن اعتراضات و مقاومت‌های جانانه‌ای که بویژه از جانب زنان و سازمان‌های مدنی در افغانستان و خارج افغانستان بر علیه تحمیل طالبان در این مدت صورت گرفته است از چشم قدرت‌های جهانی و دول مرتجع منطقه و سازمان ملل‌شان، نقض حقوق طالبان قلمداد شده است و هرکس که حقوق این وحوش را قبول نکند بشر نیست، خاطی است و حسابش را می‌رسند. اما آنچه که مناسک این لاتاری و معامله کنیثف را به یک تف سر بالا برای صاحبان طالبان و بانیان منجلا ب موجود در جهان تبدیل کرده و مسیر رسمیت دادن به سیاه‌ترین عناصر تاریخ بشری را با دست‌اندا ز مواجه کرده است مسابقه دولت‌ها حول مذاکره با طالبان نیست؛ بلکه افکار عمومی جهان از آمریکا و اروپا تا مقاومت و مبارزه هر روزه مردم خاورمیانه و افغانستان، بویژه زنان علیه طالبان و طالبان‌ها، آن فاکتوری است که آبروی چنین دیپلماسی و پروپاگاندا کنیثفی که جهانیان را در مقابل انتخاب «داعش بهتر است یا طالبان» قرار می‌دهد را برده است. صورت مسئله برای سازمان ملل و تمام دولت‌های مربوطه در کیس افغانستان، لولو خورخوره داعش نیست؛ بلکه تثبیت و تحمیل طالبان به جهانیان است! قصد دارند از طالبان یک نسخه دلپذیر در مقایسه با سیاهی داعش به خورد افکار عمومی بدهند.

اگر جهان ما جهان مستاصل زامبی‌ها بود، اگر ریشه مفاهیم آزادی، برابری، عدالت، حقیقت، شفافیت، رفاه و خوشبختی را قدرت‌های سرمایه‌داری و دول مرتجع آن می‌توانستند با تهدید و گروکشی و میلیتاریسم عنان‌گسیخته‌شان در اذهان بشریت برای همیشه بخشکانند، شاید فروختن «متاع» طالبان و طالبان‌هایی از قماش جمهوری اسلامی به افکار عمومی در جهان امروز کار راحتی می‌بود. امروز دیگر سخن گفتن از «تمدن اسلامی» به عنوان چیزی که گویا در شرق آن خطی که بعد از جنگ سرد توسط ناتو و دول غربی روی نقشه ترسیم کرده بودند، تماما در چشم مردم جهان پوچ از آب درآمده است. دیپلماسی و معامله آشکار دولت آمریکا و قدرت‌های جهانی با ارتجاع طالبان معلوم کرد که اسلام نه یک تمدن است، نه با انتخاب مردم در این کشورها به قدرت رسیده است و نه در ظرفیت ایفای نقش امپراتوری شیطنی است. اگر سه‌دهه پیش این نوع تبلیغات در غرب و در زمان کلیتتون و بوش و بلر می‌توانست دهان باز کند و افکار عمومی غرب علیه مردم

## سه جلوه زیبای انسانی ...

با یک دقیقه سکوت به احترام او و همه ی جانب‌اختگان راه آزادی و سوسیالیسم و سخترانی بستگان این مادر و فعالین کارگری شروع و با شعار زنده باد سوسیالیسم و زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری، پایان یافت.

در جریان بیش از چهار دهه کشتار و جنایت جمهوری اسلامی، نام مادر بعنوان سمبل مقاومت و اعتراض جانب‌اختگان در جدال انسانیت با توحش نظام سرمایه و دین، به نام «مادران خاوران»، «مادران آبان»، «مادران جانب‌اختگان جنبش انقلابی کردستان»... ثبت و حک شده است. مادران و خانواده‌هایی که از احترام و همبستگی و همسرنشستی طبقه کارگر و مردم سراسر ایران برخوردارند.

در شهر مریوان هم مردم ازادپخوه در جشنواره تئاتر خیابانی سالانه که از سنت‌های فرهنگی و سیاسی این شهر است و رژیم به‌رغم انواع فشارها موفق به تعطیل آن نشده، درد و رنج کولبران و چهره ی غیرانسانی و کرپه کولبری که توهین به بشریت است، به نمایش گذاشته شد. در این تئاتر خیابانی، حضور مادر یکی از کولبران جانب‌اخته، فضایی از اندوه همراه با بغض و نفرت از نظام جمهوری اسلامی بر قرار بود.

کولبری جدال مرگ و زندگی انسان‌هایی است که اگر با تیر مستقیم گزمه‌های رژیم کشته نشوند، با مخاطره پرت شدن از صخره‌های سخت و با دفن شدن زیر آوار برف و بهمن قربانی ناچیزی اجرت می‌شوند که تنها برای چند روز نان خالی سفره خانواده‌هایشان و یا هزینه تحصیل جوانانی که در سن ۱۳ و ۱۴ سالگی، به آن تن می‌دهند، کفایت می‌کند.

سالانه صدها نفر از این انسان‌ها توسط ماموران مسلح رژیم کشته یا دچار حوادث مرگبار می‌شوند.

خاورمیانه را تحریک کند که گویا طالبان و صدام حسین و بن‌لادن در یک قدمی فتح جهانند و بشریت زندگی‌اش را مدیون ناتو است اما امروز جهان ما به اهداف پشت‌پرده تمام جنگ‌های سه‌دهه پیش دول‌غربی از دوربین ویکیلیکس و کیس عروج - افول و بازگشت مجدد طالبان و طالبان‌ها به قدرت پی برده است. و بیش از این مباحث‌های ناتو و ریکاوری قدرت‌های جهانی حول دوستی و دشمنی‌شان با گانگسترهای آدمکش و دست‌ساز خود، نمی‌تواند سرنوشت بشریت را تا ابد رقم بزند. این اروپا و آمریکای اهل دیپلماسی و «صلح دوست»، آن اروپا و آمریکای «سلحشور» دیروز نیست که به حمله میلیتاریستی به افغانستان و عراق مهر تایید زدند. قبل از شیوع کرونا بود که به بهانه قتل جورج فلویید توسط پلیس آمریکا، بغض فروخورده مردم متمدن جوامع غربی ترکیب و از واشنگتن تا لندن و پاریس و بلژیک و اتریش، تندیس‌ها و نمادهای بردگی و تجر در نظام دموکراسی غربی را از میادین کار و زیست خود لگدمال کردند و به دریاها ریختند. درب دژ دموکراسی غربی دیگر بر پاشنه نظم بردگی بازار نمی‌چرخد. اعتمادها و توهمات به این دژ نزد شهروند در قلب جوامع غربی فرو ریخته است.

برای تمام دولت‌های جهان که توسط سازمان ملل اطراف‌شان را با سیم خاردار گرفته‌اند، خبر بدی داریم. جهان امروز آنچنان کوچک شده که سرنوشت مردم افغانستان و مردم خاورمیانه نمی‌تواند از سرنوشت بقیه شهروندان جهان جدا باشد. برسیمت شناختن طالبان در افغانستان نخواهد توانست انزجار عمیق مردم مدعی و بپاخاسته علیه دولت‌های مرتجع «خودی» بعنوان مسبب تباهی در جوامع امروز را خفه کند.

هیچ دولت بورژوازی در جهان به بهانه اوضاع افغانستان نخواهد توانست جان سام از دست بحران مشروعیت سیاسی کاپیتالیسم و از دست شهروندان آگاه و در کمین نشسته‌اش به‌در برد. جهان امروز جهان دو دهه پیش با طلوع خونین نظم نوین جهانی نیست؛ خاورمیانه امروز خاورمیانه دو دهه پیش نیست؛ دوران قربانی شدن مردم بی‌گناه توسط سیاست میلیتاریستی آمریکا و شرکاء در رقابت با قدرت‌های جهانی در خاورمیانه به‌سر رسیده است؛ دوران اقتدار مردم و جازو کردن سناریوهای مذهبی - قومی از صحن جوامع بشری است؛ زمان برای شوریدن آرمان آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی علیه بساط دولت‌های مرتجع و مستبد «خودی» بیش از پیش در خاورمیانه مهیاست. پیروزی کارگر و کمونیسم با توسل به لشکر میلیونی مردم تشنه آزادی و رهایی در منطقه خاورمیانه کاملاً ممکن و شدنی است؛ این تنها انتخاب واقعی و یگانه کورسوی بازگرداندن رفاه، امنیت و حقوق جهانشمول انسان به خاورمیانه و جهان ماست.

ایران امروز با گردانی از قامت افراشته کمونیست‌ها و طبقه کارگر پیشرو می‌تواند با قدرت متحد خود حول پرچم «اداره شورایی جامعه»، نه فقط طالبان‌های ایران را از تخت حاکمیت پایین بکشد بلکه الگوی پیشتاز بشریت برای پاک کردن دستجات سیاه قومی - مذهبی در کل منطقه و آغازگر یک تحول عظیم در تاریخ معاصر بشر بسوی برپایی جهانی نو باشد.

پدیده ای به نام کولبری که تصویری از کار و زندگی قرون وسطایی و دوران بربریت برده داری است، داغ ننگی بر پیشانی حاکمان فاسد و بیگانه با وجدان و شرافت انسانی و خفته بر گنج رنج طبقه کارگر و دارایی‌های تصرف شده جامعه است. حقارت کولبری برای کولبران کم‌تر از باری که بر دوش میکشند، نیست. حقارتی که دشمنان انسانیت و لم داده بر ثروت‌های بیکران مملکت، به انسان‌های جامعه ما تحمیل کرده‌اند. ننگ شان باد!

ننگ شان باد، فروشندهگان دکل نفت، برداران قاچاقچی، اختلاسگران سرمایه‌های کشور و متعلق به کارگران و مردم، بنگاه‌های عظیم مالی بیت رهبری و سپاه معاف از مالیات و دولت‌مردان و عمامه به سرهای جمهوری اسلامی که همگی سرشان در آخور ثروت‌های باد آورده ی مملکت است.

ننگ شان باد دزدهای میلیاردر دلاری که بخاطر برداشتن یک بسته شیرینی از طرف انسانی گرسنه او را بعنوان دزد و مجرم روانه زندان می‌کنند. «در این بازار پلیس، زندگی ارزان‌تر است از نان» سرود زندگی علیه مرگ و اعتراض به بردگی کولبری در شهر مریوان است!

این موارد در نمایش‌های انسانی در چند روز اخیر و به اشکال مختلف و بعنوان اعتراض به نظم غیر انسانی حاکمان جمهوری اسلامی و مهر عدم مشروعیت و اعلام آغاز پایان این نظام، از تهران تا سندنجد و مریوان، تنها جلوه‌هایی از نوک کوه یخی در اعماق جامعه است، جلوه‌های انساندوستانه، برابری طلبانه، ازادپخواهانه و رفاه طلبانه ای که جمهوری اسلامی با آن بیگانه است. می‌گویند دیکتاتورها تا یک روز قبل از قیام توده‌های مردم، فکر می‌کنند هیچ مشکل و خطری در کار نیست.

«همه چیز خوب است»، ورد و دعایی است که سران نظام جمهوری اسلامی هر شب با کابوس آن می‌خوانند.

hekmatist.com



## تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

## حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

## مردم آزادیخواه!

طغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی‌آبی و بی‌برقی، گرانی و بیکاری، فقر و فساد و بی‌مسئولیتی انگل‌های در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!